

مدیریت

پیامبر اکرم (ص)

در اسلام

مولف : روح اله شریفی تهرانی





سرشناسه	:
عنوان و نام پدیدآور	:
مشخصات نشر	:
مشخصات ظاهری	:
شابک	:
وضعیت فهرست نویسی	:
یادداشت	:
موضوع	:
شناسه افزوده	:
شناسه افزوده	:
رده بندی کنگره	:
رده بندی دیویی	:
شماره کتابشناسی ملی	:

انتشارات چشم ساعی: اصفهان، میدان جمهوری، جنب بانک مسکن، کوچه شکوفه، تلفن ۰۳۱۳۳۳۸۲۹۲۵



عنوان کتاب	:	مدیریت پیامبر اکرم (ص) در اسلام
مؤلف	:	روح اله شریفی تهرانی
ناشر	:	انتشارات چشم ساعی
ویراستار و طراح جلد	:	الهام سادات سلجوقیان
نوبت چاپ	:	چاپ اول / خرداد ۱۳۹۵
شمارگان	:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت	:	۱۱۰۰۰ تومان
شابک	:	۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۴۱۹ - ۰۴ - ۴

فهرست عناوین

- ۱ مدیریت پیامبر اکرم (ص) در اسلام
- ۶ مدیریت اجتماعی پیامبر (ص)
- ۱۲ سازماندهی اداری
- ۱۶ روش های مدیریت پیامبر اکرم (ص)
- ۱۷ عدل و قضاوت
- ۲۳ اتحاد مسلمین و برابری بشری
- ۲۵ مرکز اتحاد اداری حکومت در مساجد
- ۲۷ پیامان نامه رسول اکرم (ص) در شهر مدینه
- ۳۰ رهبری نظامی و مهارت در صلح و جنگ
- ۳۴ حسن تدبیر دور اندیشی و دعوت نامه برای حاکمان
- ۳۵ تدبیری اداری در راستای تقویت مسلمانان در بیعت
- ۳۸ فضای معنوی در مشورت و رهبری
- ۴۱ رتبه پیشگامان اصول اداری

تلاش	۴۱
دانش و پژوهش، عبادت و ورزش	۴۵
تفسیر برابری در اصل خلقت و اندیشه های نژادی	۴۹
گزینش شایستگی فرماندهان	۵۲
شیوه های مدیریت اجتماعی	۵۵
صفات موفقیت مدیریت عمومی	۶۱
اعتقاد به اهداف و مسیر هدایت	۶۲
مسئولیت در امانت و اخلاص	۶۵
محور تجزیه تصمیم گیری در عمل	۶۸
تواضع و خشوع ناظر در امور	۷۰
سوابق شایسته شأن اسلام	۷۵
تحکیم و حلم در روابط اسلامی	۷۹
صفات مهم مدیر از فرمایشات پیامبر اکرم (ص) و قرآن کریم و مولای متقیان (ع)	۸۲
منابع	۸۵

تقدیر و شکر

از زحمات مادرم

مدیریت پیامبر اکرم (ص) در اسلام

سخن را از نخستین روزهای دعوت مبارک آن حضرت و برنامه های اعجاز آمیزی که در دو مرحله متمایز زیر به اجرا درآورد آغاز می کنیم:

الف- مدیریت در مکه، ب- مدیریت در مدینه.

رسول اکرم در مکه با زحمات فراوان و قرائت آیه های توحیدی و تأمل برانگیز و سوال و جوابهای هشیارگر و بیدارکننده و یادآوری جهان آخرت و آتش جهنم، به ساختن عقاید و تحکیم اندیشه های دینی و زدودن رسوبات جاهلیت از قلب و اندیشه تازه مسلمانان همت گماشت و با تبلیغی همه جانبه و حیرت آور

همگان را به پذیرفتن دین گرانقدر الهی و ترک راه و رسم
جاهلی فراخواند.

در این مرحله که سیزده سال به طول انجامید، مسلمانان به
برنامه های اداری متین آن حضرت در زمینه های تعلیم و تربیت
و به ویژه پرورش اندیشه ها و افکار، تمکین کرده و به اجرای آنها
گردن نهادند و به همین جهت بیشتر آیات قرآن در این دوران
نازل گردید.

یادآوری می شود که عقیده راسخ و ایمان پایدار، مردمان عادی
را مسلمانانی امین و با اخلاص می سازد که به هنگام ورود به
صحنه اجتماع و پذیرش مسئولیتهای مدنی، نمونه هایی زیبایی



از سلوک و رفتار اسلامی را به نمایش گذارند، و برنامه های
عبادی مانند نمازهای پنجگانه یومیه قرآن و دیگر عبادتهایی که
پیامبر مسلمانان را به آن فرمان داد، و خود با کاملترین صورت
به انجام آن می پرداخت، کاری در همین راستا و به منظور
تربیت انسانهای کارآمد و امین و راست کردار بود، و حتی خود
آن حضرت و تعداد اندکی از یاران مخلص او عبادتهایی مانند
نماز شب را با ذوق و اشتیاقی کامل وارد برنامه زندگی خود
کرده بودند و قرآن کریم درباره آنان چنین فرموده است:

« و براستی، پروردگار تو می داند و جمعی از کسانی که با تو
هستند، نزدیک به دو سوم یا نصف، یا یک سوم شب را به طاعت

و نماز می پردازید، و خدا روز و شب را اندازه گیری کرده و می

داند که شما، هرگز توان اینکه تمام ساعتهای شب را به عبادت

ضبط کنید ندارید، و از شما درگذشت، پس شبانگاه هر مقدار که

راحتی بتوانید، قرآن را قرائت کنید».

گویا، این برنامه ریزی شبانه حکمتی پنهانی دارد، یعنی: علاوه

بر تقویت و تحکیم ایمان قلبی فرد شب زنده دار، بازتاب روزانه

آن به شکل دعوت مردم به خدا و انفاق و بخشش در راه او تبلور

می یابد.



به علت فشارهای که قریشیان بر دعوت جوان و نوحاسته اسلام
وارد می ساختند، پیغمبر اکرم برای دو هجرت برنامه ریزی کرد،
یکی از مکه به حبشه و دیگری از مدینه به مکه.

برنامه این دو مهاجرت چنان دقیق و منظم طراحی شده بود که
فرصت را از دست دشمنان اسلام درآورد، و نتوانستند مانع اعزام
منظم و پنهانی گروههای مهاجر گردند، و این هجرتها به جهت
پیشگیری از خطرهایی بود که جان مسلمانان را تهدید می کرد.



مدیریت اجتماعی پیامبر اکرم (ص)

این بود که خود ایشان، به دلایل زیر در مکه ماند و هجرت را به تاخیر انداخت:

الف- ملاقات با افرادی که از قسمتهای مختلف عربستان برای زیارت کعبه به مکه می آمدند، و دعوت آنها به آیین حیات بخش اسلام که بیعت بزرگ جمعی از اهالی مدینه در عقبه اولی نمونه آن بود.

ناگفته نماند، که در موسم دیگر، هفتاد و سه نفر از نخبگان مدینه، که در میانشان تعدادی از بانوان نیز وجود داشتند، به مکه آمدند و بیعت عقبه ثانیه انجام پذیرفت، و این مجموعه های

مسلمانان، بعد از بازگشتن به مدینه مقدمات هجرت پیامبر (ص)

و زمینه های لازم برای تاسیس دولت اسلامی در آن شهر را

فراهم ساختند.

ب- سازماندهی مهاجرت گروهی از مسلمانان اولیه به کشور

حبشه که آن را هجرت اول یا هجرت صغیر نامیده اند. این

هجرت سبب رساندن ندای اسلام به آفریقا و تشکیل مرکزی در

آن قاره گردید که صدای اسلام در آینده از آنجا به مناطق دیگر

برسد؛ ضمن اینکه تجربه های زیادی نیز برای مسلمانان به

همراه داشت.



ج- در زمان بیماری سرپرست و حامی پیامبر یعنی عموی

بزرگوار ایشان، جناب ابوطالب، جمعی از قریشیان به نزد او آمده

و تقاضا کردند که از برادرزاده اش محمد (ص) بخواهد تا دعوت

مردم به دین جدید، دست بردارد یا تخفیفی در این امر بدهد، و

آنان نیز در مقابل، هرچه می خواهد به او بدهند. لیکن، پیغمبر

که در دعوتش ثابت قدم و استوار بود، در جواب آنان و خطاب به

عموی ارجمندش فرمود:

ای عم بزرگوار، اگر یک کلمه را بر زبان آورید، سروری و

فرمانروایی عرب و عجم را به دست خواهید آورد. قریشیان با

خرسندی روی خود را به سمت پیامبر فراز کردند تا بدانند آن



یک کلمه چیست، و یکی از آنان گفت: بسیار خوب ده کلمه می

گوییم، حال به ما بگو که چه باید بگوییم، پیامبر فرمود: بگوئید

(لااله الا الله) و آنچه جز خدای می پرستید، رها سازید.

مشرکان قریش با شنیدن این سخن، از نزد ابوطالب بازگشتند و

همانند دنیای استکباری معاصر ما، غرور ناشی از احساسات

قدرت آنان را به بدکاری و عدم پذیرش حق وادار کرد، زیرا اگر

به بندگی خدا اقرار می آوردند، دیگر نمی توانستند به دزدیها و

استثمارشان ادامه دهند و ناچار می شدند از مقام و منصبهایی

که با ستمگری و شرک ورزی به خدا تحصیل کرده بودند، دست



بردارند، و از منافعی که از مسافرت اعراب به مکه و زیارت بت‌های دور کعبه عایدشان می‌شد چشم‌پوشند.

با تامل در این حادثه، برای ما روشن می‌شود که رسول خدا (ص) در آن هنگام به آماده ساختن زمینه برای برپایی دولت اسلامی و جهانی بر اساس توحید اهتمام می‌ورزیدند و این امر یکی از اصول مهم مدیریت آن حضرت بود.

پیغمبر (ص) بعد از مهاجرت به مدینه برای اجرای احکام و قوانین قرآن به بنیانگذاری مبانی دولت اسلامی و سازمان‌های حکومتی پرداخت، و روش حکومتی آن حضرت روشی بی‌نظیر و



ممتاز بود که هیچ یک از تمدنهای گذشته یا آینده بشری مانند
آن را سراغ ندارد.

اهمال در بررسی دقیق مدیریت پیامبر در مدینه همانند بی
توجهی به یکدگر مفاهیم و ارزشهای دینی، موجب زیان و
خسران و عدم دستیابی به شیوه‌هایی است که آن حضرت برای
سعادت انسان و توانمندکردن او با اندیشه و عمل مطرح
ساختند.



سازماندهی اداری

آن بزرگوار قبل از هر چیز به تشکیل سازمانهای اداری پرداخت،
و ایجاد این سازمانها و تشکیلات برای ایشان، وسیله اجرای
مقررات الهی به حساب می آمد نه هدف.

اعضای سازمان اداری دولت اسلامی را اشخاص و افراد زیر
تشکیل می دادند:

روسای مناطق و قبایل و نمایندگان پیغمبر در میان آنها،
مأموران جمع آوری زکات و ننگه داری و تقسیم آن، نویسندگان
پیغمبر در میان آنها، مأموران جمع آوری زکات و ننگه داری و

تقسیم آن، نویسندگان وحی و نامه هایی به رسول خدا برای

پادشاهان و فرمانروایان کشورها می فرستاد، و سفیرانی که بریا

رسانیدن نامه های خدا به سران دول اعزام می شدند.

البته خود پیامبر در رأس این تشکیلات و دارای بالاترین قدرت

سیاسی بود و بر تمام مسلمانان ولایتی عام و فراگیر داشت، زیرا

علاوه بر مقام نبوت، مسئولیت امامت و فرمانروایی مسلمانان نیز

به عهده ایشان بود.

چنانچه سوال شد، نقطه آغاز تشکیل دولت اسلامی در مدینه

کدام حرکت رسول خدا بود: تشکیل بیت المال و خزانه؟ تاسیس



سپاه و نیروی نظامی؟ راه اندازی سازمان قضایی؟ تاسیس حزب

یا احزاب؟ یا ...؟

پاسخ این است که آن حضرت مسجد را نخستین پایگاه حکومت

قرار داد، و در زمان او، مسجد مرکزی برای تحریم باورهای دینی

و پرورش و تزکیه روانی مسلمانان، و دانشگاهی بزرگ برای

آموزش معارف اسلامی و قرارگاه سپاه اسلام و کانون اصلی امور

معنوی و ارتباط با آفریدگار جهان و بالاخره مرکز تنظیم

مدیریت همه نهادها و سازمانهای دولتی محسوب می گردید.

با وجود آن همه دشمنان سرسخت و افرادی که در داخل و

خارج مدینه در کمین اسلام و مسلمانان نشسته بودند، آوردن



دین جدید و گسترش و انتشار آن بدون مدیریت دقیق و ژرف
نگر پیامبر، امکان پذیر نبود و به همین جهت، خود ایشان
شخصاً مسئولیت اداره امور و به حرکت درآوردن سازمانهای
اجرایی را عهده دار گشتند. البته همه این برنامه ریزیها از منبع
وحی سرچشمه می گرفت، اما اجرا و تطبیق آنها تحت نظارت
رسول خدا بود تا به طور طبیعی به دو شبهه زیر پاسخ داده
شود:

الف- پندار دشمنان اسلام که ادعا می کنند، احکام اسلامی ذهن
و خیالی هستند و پیاده ساختن آنها در عالن واقعیت بسیار
مشکل است.



ب- گمانها و یا دروغهای عمده ی پیروان اندیشه لائیسم که به

تفکیک نقوص قرآنی از برداشتها و اعمال انسان اعتقا دارند.

روش های مدیریت اسلامی در محضر پیامبر اکرم (ص)

کمی بعد از ورود پیامبر به مدینه حادثه ها و وقایع متعدد


روی داد که عملکرد ویژه پیامبر در هر یک از آنها دلیل استحکام

و به کارگیری روشهای نوین در مدیریت آن حضرت می باشند و

در این قسمت، تعدادی از آنها را بیان می کنیم:



۱- عدل و قضاوت



همه کارهای اجتماعی پیامبر به شیوه ای اداری و برنامه ریزی شده انجام می گرفت، و نمونه های زیبا و شگفت آوری از اجرای عدالت بر زیردستان به نمایش می گذاشت، او حتی در نگاه کردن و تبسم بر روی آنان تفاوتی نمی گذاشت و امور را چنان اداره می کرد که هر کس به حقی که سزاوار است برسد. و همین صفات الهی بود که او را الگویی بی نظیر در رهبری انسانی قرار داد.

بدیهی است که هر رهبر و مدیری، بر زیردستان تبعیض روا دارد، بیدادگر و ستمکار است و سبب از هم گسیختگی و

فروپاشی مجموعه تحت مدیریت خود می گردد، و هم اکنون این
آشفته‌گی و نابسامانی در ادارات و موسسات جوامع مادی قابل
رویت است، در صورتی که پیوسته شعار می دهند که مدیر باید
همه کارکنان را با یک چشم بنگرد و تساوی را بین آنان برقرار
سازد.

حقیقت این است که این شعار آنها نیز مبنای درستی ندارد، و ما
با استفاده از سیره مبارک رسول خدا اعلام می داریم که رفتار
مدیر هر مجموعه باید منطبق بر موازین عدالت باشد، یعنی: در
شرایطی که دو مجموعه در سطحی واحد و دارای ویژگیهای
یکسان باشد، مقتضای عدالت این است که از مزایای یکسانی



برخوردار باشند، اعمال مساوات بین کارکنان آن سازمان و ادارات دیگر، برخلاف مصالح اجتماع است و ممکن است موجب از دست رفتن فرصتها، و نابودی شایستگیها و تواناییها گردد، همان گونه که گذشت بی مورد از خطای زيردستان سبب شکسته شدن حرکت قانون و بی اهمیت شدن بازرسی و مراقبت و به کیفر نرسیدن گناهکاران می شود، و می توان گفت که در بعضی موارد مساوات منطبق بر عدالت نیست. زندگانی رسول خدا، حتی قبل از بعثت پر از رفتارهای زیبا و مدیریتهای زیباتر بود که از آن جمله است دقت نظر و حسن تدبیر آن حضرت به هنگام بروز اختلاف بین سران قبایل عرب برای نهادن



«حجرالاسود» به جایگاه ویژه اش. زیرا هر یک از آنها می

خواستند افتخار این عمل را نصیب خویش سازند، و در این

زمینه حاضر به هیچ گونه نرمش و گذشتی نبودند و نزدیک بود

اختلاف و جنگی طولانی بین آنها بوجود آید. سرانجام توافق

کردند تا اولین شخصی که به آنجا وارد می شود بین آنها داوری

کند و به اراده خدا اولین فردی که بر آنها وارد شد محمد (ص)

بود، و آن بزرگوار عباى خود را پهن کرد و حجر را در میان آن

نهاد و از آنها خواست، تا هرکدام گوشه ای از آن را بگیرند و به

نزدیک جایگاه بیاورند. آنگاه با دستهای مبارک، سنگ را در

مکان مخصوص قرار داد و با این تدبیر بی نظیر و شگفتی ساز،



قضیه به خیر و خوشی خاتمه یافت. نمونه زیبای دیگر، داستان

ورود آن حضرت به مدینه در آغاز هجرت بود. همه مسلمانان آن

دیار با اخلاق نیکوی رسول خدا آشنا بودند و با ارادت ویژه ای

که به ایشان داشتند، دلشان می خواست افتخار میزبانی پیامبر

نصیب خانواده آنها گردد. در آن فضای پرهیجان و حساس که

هر لحظه ای امکان بروز تنش و درگیری هایی، که می توانست

سالهای متمادی باقی بماند و موجودیت آیین نوپای اسلام را نیز

تهدید کند، وجود داشت، پیامبر (ص) به مسلمانان گفت: شتر

من مامور است، راه آن را باز کنید و هر جا بایستد به آن خانه



وارد می شود و شتر بر در خانه ابویوب انصاری زانو زد و مسئله

ای با آن اهمیت بدون درگیری و اختلاف، پایان پذیرفت.

مسئله مسلم دیگر این است که خطابه ای آسمانی و احکام و

اوامر الهی، در بدو امر مفاهیم کلی و ذهنی هستند و تحقق

خارجی آنها نیازمند مدیری توانا و شایسته است، و نبی اکرم

(ص) مدیریت اسلام را به خطاب آسمانی و دیگر خطابه‌های قرآن

تحقق عینی بخشید:

(ای مومنان، عدالت را برپا دارید، و برای خدا گواهی دهید،

هرچند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما باشد)



۲- اتحاد مسلمین و برابری بشری

این برنامه که در همه تاریخ بشریت نظیری ندارد، با زیباترین شیوه انسانی و قومیتی انجام پذیرفت، و با آنکه مهاجران و انصار از نظر آداب و رسوم و خوی و خصلتهای فردی تفاوتهای زیادی با یکدیگر داشتند، اما آن رسول راستین پروردگار، با در نظر گرفتن تمام جوانب و شرایط اجتماع آن روز مدینه، بین آنان اتحاد برقرار ساخت. جالب است بدانیم که برای اجرای این برنامه هیچ گونه گزینش یا هماهنگی قبلی بین مسلمانان صورت نگرفته بود، و قضیه به این شکل اتفاق افتاد که وقتی همه



مسلمانان اجتماع کردند، پیامبر (ص) فرمان داد هر مسلمانی، با

مسلمانی که نزدیک اوست پیمان اتحاد ببندد.

و نتیجه این برنامه الهی و اداری بی سابقه این بود که همه

اصحاب، خود را اعضای یک خانواده می دانستند و به چنان

درجه ای از ایثار نسبت به یکدیگر رسیده بودند که در عین

نیازمندی، اگر چیزی به دست می آوردند آن را برای اتحاد

خویش هدیه می دادند و چنانچه آیات مربوط به ارث و

خویشاوندان نازل شد، که از یکدیگر ارث خواهند برد.



۳- مرکز اتحاد اداری حکومت در مساجد

امت نوپای اسلام، نیازمند پایگاهی برای اداره فعالیتهای فکری و سیاسی و نظامی خود بود، پایگاهی که با اصول و ارزشهای آیین نوین او سازگار باشد. به همین جهت، پیغمبر قبل از اقدام به هر کاری، ساختمان مسجد را بنا نهاد، مسجدی در نهایت سادگی و بی پیرایگی و تنها مشتمل بر چهار دیوار که هر یک ارتفاعی معادل قامت یک انسان داشتند، و در آغاز بدون سقف بود و پس از مدتی از شاخه های درختان خرما، سقفی برای آن ساختند.

اصولاً، ارزش هر طرح و پروژه ای، به خوب اداره کردن و نوع کاربری و سودمندی آن برای مردم است، نه به سنگینی هزینه و



فراوانی تجملات و اسرافکاری و هدر دادن اموال عمومی، آن چنان که در ساختمانهای عظیم دولتی و کاخهای رفیع فرمانروایان و دربار پادشاهان مشاهده می کنیم، و اخیراً نیز، هزینه اکثر پروژه های بزرگ کشورهای پیشرفته صنعتی و مادی معاصر با استثمار و چپاول سرمایه های کشورهای ضعیف تامین می گردد.

و مسجد پیامبر بسیار ساده و کم هزینه بود، اما از آن مسجد و اداره کوچک، نور تمدن اسلامی و برجهان پرتو افکند که انقلابی فکری فرهنگی بر ضد همه حکومتهای ستم پیشه و واپسگرا و متحجر و غیرالهی بود.



۴- پیمان نامه رسول اکرم (ص) در شهر مدینه

پیش از این در مورد میزان تاثیر پیمان نامه ای که رسول خدا (ص) به موجب آن، ارتباط اعضای جامعه جدید اسلامی با یکدیگر و با ساکنان اطراف شهر مدینه بویژه یهودیان را تنظیم کرد، بحث داشتیم، و در این قیمت برای تکمیل آن می گوئیم که پیامبر آیات نورانی کتاب آسمانی را در میان مردم ترویج کرد و به جهان واقعیت درآورد، و اجرای احکام حیات بخش آن را در بین انسانها، بویژه اعرابی که با جاهلیت و تاراج و چپاول و طمع و تعصب فاصله چندانی نداشتند، عهده دار گردید، و مجتمع جاهلی آنها را به جامعه ای ایمن، سالم، صلح جو و الگوی همه

انسانها و تمام سرزمینها تبدیل کرد، و بدون اظهار خستگی و دلتنگی، آنان را حاملان نور و تمدن اسلامی برای جهانیان قرار داد، به طوری که قبل از گشودن کشورها و سرزمینها به فتح دلهای مردم توفیق یافتند.

و مجدداً خاطرنشان می سازیم که قوم یهود طبیعتی نژادپرست دارند و بر همه غیریهودیان کینه می ورزند و بر شکستن عهد و پیمان حتی با پیامبران خود خو گرفته اند.

با این اوصاف به عظمت مدیریتی پی می بریم که ارتباط مسلمانان با اعراب جاهلی و نژادپرستی را با نوشتن آن پیمان پرارزش سامان بخشید و با آن کار دوراندیشانه، راه پیشرفت

فکری و فرهنگی مسلمانان و انتشار سریع اسلام و تمدن اسلامی

را هموار کرد.



۵- رهبری نظامی و مهارت در صلح و جنگ

در فصل مربوط به رهبری نظامی پیغمبر، مشروحاً بیان خواهیم داشت که آن حضرت روشها و تاکتیک های پیشرفته ای به کار می گرفتند که فرماندهان نظامی جهان مادی در سالهای اخیر به بعضی از آنها وقوف یافته و تا امروز به همه ابعاد آن پی نبرده ایم.

در اینجا نیز به مناسبت بحث از مدیریت اداری اعجازآمیز آن پیام آور بزرگ خدا، مجدداً به آموذگی و مهارت نظامی ایشان اشاره می کنیم:



یکی از نشانه های عظمت مدیریت پیغمبر (ص) این بود که در

عین برخورداری از وحی، و امدادهای غیبی، و تضمین پیروزی

نهایی اسلام در آیه های متعدد قرآن از جمله این آیه مبارکه:

«او خدایی است که پامبرش را با ابزار هدایت و ادعای راستین،

به سوی مردم فرستاد، تا دین او را بر تمام ادیان چیره گرداند،

اگرچه مشرکان ناخشنود باشند»، به جهات عقلانی و تدبیر امر

بی مهر نشان نمی داد. و شیوه های اداری و ساختاری برای

تربیت مسلمانان در این زمینه ها فراهم کرده بودند.

آری با تمام این امکانات و مزایا، باز هم رسول خدا در جبهه های

گوناگون تمام سعی و همت خود را به کار می گرفت تا کار به



جنگ و خونریزی نینجامد و مسئله با مذاکره و گفت و گو حل
شود، و این راه و رسمی است بی نظیر و تدبیری است صحیح و
خدایی، به منظور تربیت مسلمانان و نسلهای آینده، تا در مقابله
با دشمنان، برنامه های کارشناسی شده و خردمندانه به کار
گیرند و تنها به عظمت اسلام و تمدن و تاریخ آن یا به فراوانی
نیروی انسانی و ثروتهای طبیعی تکیه نکنند؛ آن طور که
سوگمندان امروز به آن گرفتار آمده ایم و نمی توانیم قدس
شریف را از چنگال صهیونیست های متعصب آزاد سازیم.

پیامبر (ص) در اجرای همین سیاست، در سال ششم هجری
قرارداد صلح با مشرکان را در حدیبیه برای مدت ده سال منعقد

کرد و از آنجا به سوی خیبر که یکی از مراکز ایجاد خطر و

توطئه بر ضد اسلام بود به حرکت درآمد و با شجاعت و

دلاوریهای کننده در خیبر، و بازوی راست و برادر و جانشینش،

حضرت علی (ع)، بر آن تسلط یافت و آن کانون فتنه را از منطقه

برچید.



۶- حسن تدبیر دوراندیشی و دعوت نامه برای حاکمان

ایمان راسخ به قرآن، و دوراندیشی و حسن تدبیر پیامبر (ع) او را بر آن داشت تا به شکلی ساده و به دور از تعارف و تشریفات، اما محترمانه، با اعزام نمایندگان و سفیران ویژه، نامه ها و پیامهایی برای سران و پادشاهان کشورهای مختلف ارسال دارد و آنان را به پذیرفتن آیین اسمانی اسلام فرا خواند. تعداد این نامه ها، در کتابهای تاریخی و منابعی که مکتوبات و پیمان نامه های آن حضرت را گرد آورده اند ۱۸۶ مورد ذکر شده است.



۷- تدبیری اداری در راستای تقویت مسلمانان در بیعت

بیعت گرفتن آن حضرت به هنگامه بحران، تدبیری اداری و

بازدارنده در راستای تقویت بنیه روانی مسلمانان و اعلام مجدد

دوستی و وفاداری به شمار می آید و نمونه آن در جریان صلح

حدیبیه به وقوع پیوست. قصه این بود که پیامبر (ص) با هزار و

چهارصد نفر از مسلمانان، بدون همراه بردن تجهیزات جنگ، و

تنها با سلاح مسافر به قصد زیارت کعبه و انجام حج حرکت کرد.

مشرکان قریش مانع حرکت آنها به طرف مکه گردیدند، رسول

خدا با حفظ بردباری و متانت سفیرانی برای مذاکره و دیپلماسی

به نزد آنان فرستاد، اما در یکی از این رفت و آمدها، مشرکان



فرستاده پیامبر را بازداشت کرده و به قتل رسانیدند. در این

هنگام پیغمبر (ص) با آنکه آمادگی جنگ نداشت، با مدیریتی

هوشمندانه، از تک تک یارانش بیعت گرفت که در صورت بروز

نبرد با تمام توان خود استقامت کنند و پشت به دشمن ننمایند،

و آن همان بیعتی است که در تاریخ اسلام با عنوان بیعت رضوان

یا بیعت شجره از آن یاد شده است. به هنگام فتح مکه، آن نبی

رحمت، چونان یک رهبر صلح جو وارد شهر شد و سخن کریمانه

و مشهور «بروید، همه شما آزادید» را بر زبان آورد. او به

انتقامجویی و خونخواهی از قریشیان که مسلمانان را آواره

ساخته و اموالشان را مصادره کرده و تعدادی از آنان را به



شهادت رسانیده بودند، برنخواست، حتی ابوسفیان سرکرده

مشرکان را نیز عفو نمود و اعلام داشت، هر کس به خانه او

درآید، در پناه است. از این قضیه درمی یابیم که ابوسفیان و

معاویه با بیعت، اعلان مسلمانی نکردند، بلکه پیغمبر آنها را

بخشید و به جرگه مسلمانان درآورد، و کارهایی که بعد از آن

انجام دادند این گمان را به وجود آورد که آنها همچنان بر

کفرشان باقی بودند ولی به دلیل دشمنی و مخالفت ایشان با

اهل بیت رسول خدا، دستهای تزویر و خیانت، مقامشان را بالا

برده است.



فضای معنوی در مشورت و رهبری

قرنها قبل از آنکه اندیشه دموکراسی در جهان به وجود آید، اصل شورا و مشورت در فضای معنوی جامعه اسلامی مطرح بود و مسلمانان به خاطر ارزشهای دینی و تقوای الهی، حتی با ایثار و به قیمت از دست دادن منافع شخصی خویش، در اجرای صحیح این اصل و نصیحت و ارشاد یکدیگر می کوشیدند.

روح دموکراسی جدید نیز همین رایزنی و استفاده از رای و تجربه شهروندان است، بلکه می توان گفت که شورای اسلامی گستره وسیع تری از دموکراسی دارد.



علمای اسلام از شورایی به نام شورای اهل حل و عقد دولت اسلامی یاد کرده اند که معادل پارلمان و مجالس قانونگذاری نظامهای دموکراتیک کنونی است، و گفته اند که اعضای آن باید عادل و عالم و حکیم و صاحب نظر باشند، تا بتوانند شایستگان منصب زمامداری و ویژگیهای فراوان امامت و رهبری را بشناسند و یکی از ایشان را که لایق تر و به مصالح اسلام و مسلمانان آگاهتر باشد به زعامت و رهبری برگزینند.

شایان ذکر است که این تئوری تا کنون تنها در کتابها و مباحثات دانشمندان باقی مانده و هرگز صورت عمل به خود نگرفته است، زیرا برادران اهل تسنن، همان گونه که قبلاً نیز

گفتیم، به خاطر هماهنگی با حکومت‌های موجود، هر حکومتی را

که بر اوضاع مسلط باشند، بدون توجه به چگونگی به قدرت

رسیدن آن، به رسمیت می‌شناسند.

در پایان این بحث یادآوری می‌کنیم که بهترین تطبیق و اجرای

اصل شورا، در زمان حکومت حضرت علی (ع) بوده است.



رتبه پیشگامان اصول اداری

۱- تلاش

پیامبر عالی قدر اسلام، آن مدیر پیشگام جامعه بشری، سازماندهی اداری دولت اسلامی را بر اصولی قرآنی استوار نمود؛ تا اختیارات و مسئولیتهای افراد به هنگام فعالیتهای اداری و اجتماعی مشخص گردد.

مدیریت آن حضرت چنان زیبا و شگفت آور بود که تمدنهای بزرگ ایران و روم قادر به ایجاد آن نبودند و دنیای جدید مادی نیز با تمام پیشرفت و تجربه ای که دارد از وصول به آن ناتوان است.

آن آخرین فرستاده خدا و خاتم مدیران الهی، کار را معیار
تشخیص جایگاه اجتماعی و تعیین رتبه مسلمانان در دنیا و
آخرت قرار داد.

قرآن کریم می فرماید: « و برای هرکدام بر مبنای کارشان
درجات و مراتبی است و پاداش اعمال آنها به طور کامل داده
خواهد شد و مورد ستم واقع نمی شوند.»

قرآن مجید کار و عمل بانوان را نیز نادیده نمی انگارد و می
فرماید: « البته، من که پروردگارم عمل هیچ مرد و زنی از شما را
تباه نمی سازم.»



آن مدیر بی نظیر نه تنها مسلمانان را به کار و عمل تشویق می

کرد، بلکه آنها را مرکز و محور تکامل به حساب می آورد، زیرا

عشق به کار، روح ابداع و نوآوری و تلاش را در انسان زنده نگه

می دارد، و کار بدون میل و رغبت، نه تنها عامل پیشرفت نیست

بلکه موجب رکود و توقف می گردد.

او با این سیاست حکیمانه، توانست ملت گمنام عرب را به عنوان

مدیر فتوحات گسترده و ناشر ارزشهای انسانی و آزادکننده

بشریت از فساد و ستم، به جهانیان شناساند.

با این توضیحات می توان گفت که یک مدیر موفق مکتبی،

کسی است که علاوه بر دارا بودن ذوق و قابلیت، کار را دوست



بدارد و به ارزش آن ایمان داشته باشد، چه، به گفته دانشمندان:

هر کس ذوق و استعدادی ویژه دارد و خوشبخت کسی است که

آن را کشف کند.

پیامبران، بزرگترین مدیران جوامع بودند، زیرا با کار پیوسته و

مداوم و مدیریتی منظم، افراد و اجتماعات بشری را به توحید و

خداپرستی دعوت می کردند و به همین جهت در آن شرایط

سخت و کمی امکانات و سازمانهای اداری نامناسب، حداکثر

توفیق را به دست می آوردند.



۲- دانش و پژوهش، عبادت و ورزش

پیامبر اکرم (ص) مسلمانان را به دانش پژوهی و اندیشیدن، و کسب مهارت و تخصص فرا خواند تا بر قدر و منزلت آن بیفزایند و قرآن مجید نیز در تشویق به ایمان و دانش اندوزی فرموده است:

«خداوند مقام آن گروه از شما که ایمان آورده باشند و کسانی که به آنها دانش عطا گردیده رفیع می گرداند».

دانش تخصصی راه زندگی را روشن می کند و زمینه پیدایش نظریه های جدید و تجزیه و تحلیل آنها را فراهم می سازد.



توانایی و قدرت جسمی نیز از ملاکهای مورد نظر آن حضرت در انتخاب افراد بود، زیرا قدرت و استطاعت، شرط لازم برای قیام به واجبات دینی و اکتساب ارزشهای گران قدر اسلامی است.

اسلام مومنان را به تقویت و تربیت جسم ترغیب می کند و با صراحت می گوید: « مومن قوی و نیرومند از مومن ضعیف و کم توان بهتر است » و می فرماید: « ای مسلمان، بدنت بر تو حقی دارد » و صحت و سلامت را از فواید روزه برشمرده و فرموده است: « روزه بدارید تا تندرست گردید ».

در آموزه های دینی مسلمانان، آموختن فنون مانند شنا، اسب سواری، دویدن و تیراندازی جایگاه ویژه ای دارد و عبادتهایی

مانند نماز، حج و جهاد مشتمل بر حرکات جسمی و کار و

تلاشند و علاوه بر آثار روحی و معنوی، در افزایش توان جسمی

انسان نیز نقش بسزایی دارند.

در آیه ۲۴۷ سوره بقره که قبلاً آن را ذکر کردیم، بیان شده بود

که بنی اسرائیل به خاطر کمی دارایی طالوت به پادشاهی او

معارض بودند، اما پروردگار حکیم، علم و نیروی بدنی فراوان

طالوت را به آنها گوشزد نموده و او را شایسته زمامداری اعلام

کرد.

دقت و تامل در این قضیه، فساد و بطلان معیارهای ارزشی

ارتجاعی دنیای جدید مادی را آشکار می سازد، زیرا آنان



فریبکارانه و با پوشش دموکراسی و در واقع با رشوه و خریدن آرا

و افکار بعضی از مردم، قدرت و مناصب مهم سیاسی را به

سرمایه داران و عاملان آنها واگذار می کنند.



۳- تفسیر برابری در اصل خلقت و اندیشه های نژادی

اسلام همهٔ مسلمانان را در حقوق اجتماعی با یکدیگر برابر می داند و میان آنها در اصل خلقت و نژاد، یا رنگ پوست و دیگر اعتبارات تفاوت نمی گذارد، و همان طور که قبلاً گفتیم، رسول اکرم به محض رسیدن به مدینه بین مهاجران و انصار که از جنسیت‌های مختلف و نژادهای متمایزی بودند، برادری برقرار ساخت.

در اندیشه غیرالهی نه تنها مساوات و برابری نوع بشر انکار می شود، بلکه اصل بر جدایی و تفاوت انسانهاست و در بسیاری از جوامع قدیم، آشکارا و با افتخار، این مطلب را به زبان آورده و بر

نظم و سیستمی متکی بودند که جدایی و تفاوت برحسب جنس

یا رنگ و نژاد و فقر و ثروت را به رسمیت می بخشید.

مساوات مورد نظر اسلام، شعاری نیست که با هر تفسیری

سازگار باشد، مثلاً بر نژادپرستی نام میهن دوستی گذارد، و ظلم

و ستم را به خاطر مصالح قومی روا بداند یا با قوانین و مقررات

نظامهای موجود هماهنگی نماید؛ بلکه متکی بر اصول و مبادی

ثابتی است و همه مردم را در حقوق انسانی برابر می شمارد، و

تفاوت را در صفات اکتسابی آدمیان، نظیر نیکوکاری یا فساد یا

بی بند و باری می داند، چنانکه قرآن مجید فرموده است:



«ایا ما آنان را که به خدا ایمان آورده و به اعمال نیکو پرداختند،

مانند فسادانگیزان قرار می دهیم و باتقوایان را بسان فاسقان جزا

خواهیم داد؟».

و بالاتر اینکه قرآن کریم، اصل و ریشه همه آدمیان را یکی می

داند و می فرماید:

«ای مردم، از پرورگارتان که همه شما را از نفسی واحد بیافرید،

پروا نمایید».

و پیامبر اسلام فرمود: «همه شما فرزندان آدمید و آدم (ع) هم از

خاک آفریده شده بود.»



۴- گزینش و شایستگی فرماندهان

این گزینشها توجه ویژه رسول اکرم به پویایی و استمرار دعوت اسلام و عنایات به آیندگان بود. در قرآن مجید از قول دختر حضرت شعیب نقل شده که به پدرش چنین گفت:

«این (موسی) بهترین کسی است که به کار می گماری، زیرا نیرومند و امین است». پیامبر اکرم (ص) نیز تمام سعی اش بر این بود که شایسته ترین انسانها را برای خدمت به اسلام و مسلمانان به کار گیرد و در همین رابطه می فرمود: « هر کس ولایت مسلمانان را به عهده گیرد و کاری را به کسی سپارد در



حالی که شایسته تر از او در دسترس داشته باشد، به خداوند و رسول او خیانت کرده است».

یکی دیگر از برنامه های یک مدیریت منظم، انتخاب وزیر یا فردی است که مدیر را در ادای مسئولیتهایش یاری و مساعدت کند، و به همین جهت رسول خدا حضرت علی را به مثابه وزیر خود تلقی می کرد و به او فرمود: ((تو برای من به منزله هارون نسبت به موسی می باشی))، و آنگاه که آیه ((وانذر عشیرتک الاقربین)) نازل گردید، خطاب به خویشاوندان خود فرمود:

((کدامیک از شما در این امر مرا یاری و مساعدت می کنید؟

علی (ع) جواب داد: من یاور و وزیر تو خواهم بود.))



پیغمبر اکرم (ص) به خاطر حفظ اسلام، با دوراندیشی در بسیاری از مناسبتها به فضایل حضرت علی (ع) اشاره می کرد تا زمینه را برای امامت و رهبری وی مساعد گرداند و امیر مومنان علی (ع) اشاره می کرد تا زمینه را برای امامت و رهبری وی مساعد گرداند و امیر مومنان علی (ع) نیز، با حسن تدبیر، همواره حتی در زمانی که به زمامداری انتخاب نشده بود به عنوان محافظ و نگهبان و ناخدا و سکاندار کشتی اسلام انجام وظیفه می کرد و می فرمود: تا زمانی که کار مسلمانان بدرستی پیش رود و تنها بر من ستم شود، راه مسالمت پیش می گیرم.



شیوه های مدیریت اجتماعی (اسلامی و انسانی)

پیامبر اکرم (ص) در برنامه ریزیها و شیوه های مدیریت، تنها به

انسان و خیر و صلاح او اهتمام داشت، نه به اشیا و امکانات

مادی، و تنها آیین اسلام است که در همه تشریعات و احکامش،

انسان و سعادت دنیا و آخرت او را در نظر دارد و تمام شئون

زندگی فردی و اجتماعی وی از قبیل خوردن، آشامیدن، ازدواج،

طلاق و داد و ستدها و ارتباطات را نظم بخشیده است.

در همه احکام اسلام حفظ حرمت و تکریم شخصیت انسان است

و قرآن مجید در این زمینه فرموده است:

((براستی که ما فرزندان آدم را گرامی و محترم داشتیم...)).



پیش تر گفتیم که کار مقیاس صلاح یا فساد انسان است و در

قیامت نیز بر حسب آنچه در این جهان از وی صادر گشته، جزا

می بیند و اگر نکوکار باشد پاداش، و چنانچه شرور و بدکار باشد

کیفر خواهد دید.

همراهی و ملازمه دین و دنیا، در رفتار مسلمانان انعکاس می

یابد. وقتی مسلمانی کارش را با نام خدا آغاز می کند یعنی

اعتقاد دارد که خدا به آشکار و نهان و نیز نیت او آگاه است، و

همین اندیشه روح و روان او را پر می سازد و همواره در این

آرزوست که کارش سبب خشنودی خدا و پاداش او گردد، زیرا

خدای تعالی فرموده است:



((آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند ما نیز

پاداش آنها را تباه نمی سازیم)).

و در حدیث شریف آمده است: خداوند دوست می دارد که هر

کس از شما کاری انجام می دهد با دقت و استحکام باشد.

پیامبر (ص) شریعتی سهل و آسانگیر و با گذشت آورده است و

انسان را بالاتر از توانایی اش تکلیف نمی کند و قرآن با صراحت

بیان داشته است: ((خدا هیچ کس را تکلیف نکند جز به مقدار

توانایی، و نیکی های هر کس به سود خود او و بدیهایش نیز به

زیان خودش خواهد بود)).



با این اعتقاد، عمل یک مسلمان به بالاتریت درجه دقت و متانت می‌رسد و البته ایجاد چنین باورهایی در اندیشه پیروان، کاری بسیار عظیم و از عناصر مهم مدیریت است.

اسلام، در همان زمان که کار را عبادت و موجب پاداش اخروی دانسته، انگیزه مادی و دنیایی نیز برای آنان در نظر گرفته است، تا کارگر، زندگی خوب و بدون دغدغه‌ای داشته باشد و با جدیت و تلاش و نوآوری به کارش ادامه دهد.

رسول خدا (ص) ضمن تاکید بر پرداخت عادلانه مزد کارگر، رفاه او را در نظر گرفته و فرموده است:



((هر کس عامل کاری برای ما گردد، اگر خانه نداشت باید خانه

دار شود و اگر همسر ندارد باید ازدواج کند، و اگر مرکب نداشته

باشد، باید مرکب مناسب تهیه نماید)).

سیره مبارک آن حضرت در شخصیت شاگرد ممتاز او، امام علی

(ع) تجلی یافت. وی منشوری در آیین حکومتداری برای مالک

اشتر نخعی که قرار بود به ولایت مصر اعزام گردد، تنظیم که

عالیترین برنامه اداری و سیاسی دنیا به حساب می آمد، و

سیاستمداران، از صحابه پیامبر و عالمان آن دوران و پیشرفته

ترین دانشگاههای دنیای جدید از آوردن آن ناتوانمند. در

بخشی از آن فرمان چنین آمده است: ((مهربانی بر رعیت را



منش و پیشه خود ساز و همچون جانوری درنده مباش که

خوردنشان را غنیمت شماری.)

عنایت به انسان و محور قراردادن وی در برنامه ریزیها، بعد از آن

در دستور کار تمدن جدید وارد شد که ناکارامدی سیاستهای

متکی به آمار و ارقام تولید، و بی اعتنا به بعد انسانی قضایا، برای

همگان ثابت گردید و به همین علت مکتبهای ظاهراً علمی

جدیدی که جانب انسانی را در تئوریهای خود منظور نداشته اند،

اخیراً سعی بر این دارند که تمام شئون و نیازهای کارگران را در

برنامه ریزیهای اداری، و یا به گونه ای غیررسمی تامین کنند.



صفات موفقیت مدیریت عمومی

در صفحات پیشین از نقش حساس و بسیار مهم مدیر در پیشبرد کارها و ایجاد روحیه و نشاط در افراد و اجتماع و دستگاههای اجرایی گوناگون جامعه آگاه شدیم. در اینجا با توجه به سیره پیامبره بخشی از ویژگیهای عمومی یک مدیر موفق را به شرح زیر توضیح می دهیم:



۱- اعتقاد به اهداف و مسیر هدایت

مدیریت در مجامع غیر دینی حرفه ایی است که هدف آن آسان کردن دسترسی به هدفهای محدود مادی بوده و اقناع مردم به هر وسیله و از هر راه، ویژگیهای آن است. در حالی که از نظر اسلام، در گزینش مدیر، ایمان و باور قلبی او به ارزشمندی کار شرط اساسی است، همان گونه که شخص رسول خدا (ص) به حقانیت قرآن و ارزشمندی تبلیغ و رسانیدن آن به مردم، ایمان و اعتقاد کامل داشت و این حقیقت را قرآن مجید بدین گونه تاکید کرده است: ((پیامبر به آنچه از جانب پروردگارش به



سوی او نازل گشته ایمان آورد و مومنان نیز همگی به خدا و

فرشتگان و کتابها و رسولان او ایمان آوردند)).

از مهمترین نشانه های ایمان آن حضرت به راستین بودن وحی

الهی و ارزشهای اسلامی، کار پیوسته و مستمر او بود، زیرا با آن

همه آزار و آسیب و افتزایی که بر وی وارد می شد، که براستی

کوه را یارای تحمل آن نبود، خستگی و ملامت به خود راه نمی

داد و شادمانی او زمانی بود که مردم گروه گروه به دین خدا وارد

می شدند و به هنگام روگردانی و دور شدن آنها از مسیر هدایت

و باقی ماندنشان در وادی کفر و گمراهی، حزن و اندوه او را فرا

می گرفت و قلبش را می فشرد به طوری که قرآن در مقام



دلجویی و تسلیت به او می گوید: ((ای رسول، نزدیک است که

اگر امت به این قرآن ایمان نیاورند، خودت را از شدت اندوه و

تأسف بر آنان هلاک سازی)).



۲- مسئولیت در امانت و اخلاص

رهبری و مدیریت موفق و درخشان، آنگاه تحقق می یابد که پذیرنده آن دارای روحی بزرگ بوده و بتواند سختیهای کار را تحمل کند و با امانت و اخلاص و احساس مسئولیت به انجام وظیفه بپردازد.

متأسفانه، در سیستم های لائیک، رهبری و مدیریت کشور به متخصصانی سپرده می شود که در برابر هیچ مقام و مرجعی پاسخگو نیستند و زمانی که از راه قانون یا ترفندهای قانونی موفق به انجام کاری نشوند، با توسل به شعارهای فریبنده ای مانند میهن پرستی، مصالح قومی و ... به انجام آن می پردازند.

البته وقتی می بینیم که اینان در موضع گیریهای سیاسی و روابط بین الملل، خود و کشورهایشان را به دلالت صهیونیسم جهانی می فروشند، خوب می فهمیم که همه آن شعارها به دروغ و برای گمراه کردن مردم و تجارت و سود شخصی مطرح شده اند.

در اسلام، مدیریت و امانت جز به مومنان شایسته و کاردان سپرده نمی شود، و سیره نگاران نوشته اند که روزی یکی از یاران رسول خدا از او پرسید: چرا مرا به فرماندهی نمی گماری؟ پیامبر (ص) دست به روی شانه های او نهاد و پاسخ داد: زیرا توانایی آن را نداری و امارت سبب شرمساری و پشیمانی انسان

در روز قیامت می گردد، مگر برای کسی که شایسته آن باشد و

واجبات آن را ادا کند.



۳- محور تجزیه و تحلیل و تصمیم گیری در عمل

در بحث فرماندهی نظامی پیغمبر، در مورد تصمیمهای قاطع آن حضرت در مواضع و مواقع حساس، مطالبی بیان کردیم و در اینجا اضافه می کنیم که مدیر، محور و مرکز ثقل افکار و اندیشه ها و مرجع تجزیه و تحلیل آرا و تصمیم گیرنده نهایی برای اجرای همه پروژه ها و پیشنهادهاست. لذا باید دارای عزمی راسخ و اراده ای قوی و به دور از هرگونه وسواس و تردید باشد، زیرا ضعف اراده بر مدیریت اخلاص ایجاد می کند و آثار ناپسند در برنامه های اجرایی آشکار می سازد.



خدای تعالی پیغمبر را چنین یادآوری کرده است: ((با مسلمانان

مشورت کن و آنگاه که تصمیم گرفتی بر خدا توکل نما))، و امیر

مومنان علی (ع) آن دانش آموز مرید مکتب پیامبر و فرد مورد

توجه ویژه او می فرماید: ((با تصمیم قاطع سستی و بی ارادگی

را نابود سازید))، و فرموده است: ((هر کس سستی و بی ارادگی

پیشه سازد، حقوق را تباہ گرداند)).



۴- تواضع و خشوع اجتماعی

قرآن کریم در آیه ۸۸ سوره حجر خطاب به پیامبر فرموده است:

((و با مومنان فروتن و مهربان باش)) و آن حضرت که همه

اخلاق و رفتارش مطابق قرآن بود چنان رفتار متواضعانه ای با

مسلمانان داشت که وقتی ناشناسی بر جمع آنان وارد می شد، او

را نمی شناخت و سوال می کرد: کدام یک از شما رسول

خداييد؟ او با اطرافيانش مهربانی می کرد و بیشترین خنده وی

تبسم بود، و آنگاه که سران قریش از او خواستند تا فقیران و کم

بضاعتان را از پیرامون خود دور سازد تا جای نشستن آنها در نزد

آن حضرات فراخ گردد، درخواست آنان را نپذیرفت.



این خلف کریم در وجود برادر و نفس پیامبر، علی (ع) نیز رسوخ داشت و به استاندارش چنین نوشت: ((ای مالک، مهربانی تو با مردم آنان را به تو مهربان می کند و نیکوترین چیزی که چشم والیان به آنان روشن گردد، برقراری عدالت در شهرها و پدیدار شدن دوستی رعیت است)).

امام علی (ع) با توصیه ها و اندرزهای گرانقدر خویش کارگزاران و فرماندارنش را تربیت می کرد، همان گونه که خود او از رسول خدا (ص) تربیت پذیرفت و آگاه گردید که رهبر و مدیر موفق اسلامی آن است که پاره ای از وقتش را برای ملاقات رویاروی با مردم اختصاص داده و با فروتنی کامل و با حوصله و دقت در



کنارشان بنشینند و به شکایات و پیشنهادهای ایشان گوش دهد

و در رفع نیاز آنها بکوشد. عین کلمات مولی علی (ع) را در این

مورد ملاحظه فرمایید:

((بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز

دارند و شخصاً به کار آنان پرداز و در مجلس همگانی بنشین و

در آن جایگاه در برابر خدایی که آفریدگار توست فروتن باش و

یارانی که نگهبان و یا پاسبان تواند از آنجا دور بدار، تا سخنگوی

آن مردم بدون درماندگی در گفتار و لکنت زبان با تو گفت و گو

کند.))



آری، مدیر مسلمانان در کنار مردم می نشیند و از نزدیک با نیازهای آنها آشنا می شود و حتی از وضعیت ظاهر و طرز لباس پوشیدن و لحن سخن آنان، به نگرانیها و مشکلاتشان پی می برد و حضورا به پیشنهادها و انتقادهای آنها گوش می دهد تا به معایب و کاستی های احتمالی مدیریت خود آگاه گردد و فرصتی برای پیدایش دو رویی و نفاق و فاصله بین مدیر و کارمندان و ارباب رجوع فراهم نگردد، چه در غیر این صورت، نظم و سامان آن اداره، بلکه نظام جامعه و حکومت دچار اختلال می گردد.



اما، در ادارات و نهادهای حکومتی کشورهای بی توجه به شرایع و ادیان الهی، بنا به عادتی که در تبلیغات و فریب افکار عمومی دارند، صندوقی برای جمع آوری شکایات و پیشنهادهای مردم نصب می کنند و غالباً به شکایتها و پیشنهادهای احتمالی ترتیب اثر نمی دهند و قصدشان این است که بدانند مردم تا چه اندازه از ترفندهای آنان آگاه شده اند.



۵- سوابقی شایسته در شأن اسلام

رسول خدا قبل از بعثت، در میان اهالی مکه به عنوان مردی
امین و راستگو و خوش اخلاق و نیکو رفتار شناخته می شود. او
با انگیزه یاری رساندن به مظلومان در پیمان ((حلف الفضول))
شرکت جست، و تدبیر حکیمانه اش در برگرداندن
((حجرالاسود)) به جایگاه ویژه اش و جلوگیری از بروز فتنه و
خونریزی بین قبایل عرب زبانزد خاص و عام بود.

آن حضرت با خلوت گزینی در غار حراء به تفکر در امر آفرینش
و مشکلات مردم می پرداخت و با داشتن چنین ویژگیها و
فضایلی، مورد اطمینان امت اسلام بلکه همه مردم آن روزگار
(جز نادان کینه توز) قرار گرفت. او، علی (ع) را به عنوان امیر و
مدیری توانا به مردم شناساند، تا بعد از وی محافظ و پیشوای
امت اسلام باشد و البته، این انتخاب مبتنی بر شایستگی علی
(ع) و سلوک نیکو و حسن پیشینه او بود، چه، علی (ع) اولین
مردی بود که به پیامبر ایمان آورد و با او نماز گزارد و آنچه را بر
وی وحی می شد تصدیق کرد، و داستان پرورش یافتن او در



دامان رسول خدا در تاریخ بتفصیل بیان شده و ما در اینجا

خلاصه آن را می آوریم:

در برهه ای از زمان، قریشیان با بحرانی مالی سختی روبه رو

شدند، در آن شرایط حضرت محمد (ص) و عمویش، عباس بن

عبدالمطلب، به نزد ابوطالب عموی دیگر پیامبر رفتند و از او

خواستند تا اجازه دهد بعضی از فرزندانش را به نزد خودبرند تا

بحران اقتصادی برطرف گردد. ابوطالب به آنان گفت: عقیل را

برای خودم بگذارید و هر کاری صلاح میدانید بکنید. پس از این

گفتگو، پیامبر، علی را به خانه خودش برد و عباس، جعفر بن ابی



طالب را، و بدین گونه اراده پروردگار در مورد نشو و نما یافتن و

تربیت علی (ع) در دامان خدا تحقق پذیرفت.

مولا علی (ع) نیز، ضمن نامه ای که در نکوهش معاویه نوشته،

حسن سابقه را از ملاکها و شرایط مدیریت اسلامی شمرد و

فرمود: ((ای معاویه، چه وقت شما تدبیرگران امر رعیت و

زامداران امت بوده اید؟ که نه سابقه در دین دارید و نه شرف و

کرامتی والا)



۶- تحکیم و حلم در روابط اسلامی

محکم کاری، نه خشونت، و نه نرمش، نه ضعف و سستی، هر دو از صفات عمومی مدیران موردنظر اسلامند و قرآن مجید، پیامبران را که به منزله مدیران جوامع انسانی می باشند با عنوان مژده بخش و بیم دهنده توصیف کرده است تا مدیریتی متعادل و انعطاف پذیر را به جهانیان عرضه دارند.

تشویق و بشارت تنها، سبب جرعت بر گناه می گردد، و انذار و بیم دادن صرف نیز، سبب یاس و ناامیدی است و جامعه را تباہ می سازد. زیرا اگر گذشتی در کار نباشد و رفتاری یک بار

مرتکب گناه یا اشتباه گردد، به تصحیح و جبران آن نمی پردازد
و از تکرار آن ابایی نخواهد داشت.

به همین جهت، انبیا هم مبشر بودند و هم ترساننده، چه، اگر
تنها درهای بهشت را به روی مردم می گشودند، کار سامان نمی
پذیرفت؛ ولی آنها از عالم برزخ و جهان آخرت نیز با مردم گفتگو
کردند تا بیم و امید را در امر هدایت به خدمت گرفته باشند.

رسول اکرم فرموده است: ((امام و پیشوایی شایسته نیست، مگر
برای آن کس که دارای سه خصلت باشد: تقوایی که او را از
نافرمانی خدا باز دارد، و حلمی که خشم او را مهار کند، و



خوشرفتاری که با زبردستان، چنانکه برای آنان مانند پدری

مهربان باشد.))



۷- صفات مهم مدیر از فرمایشات پیامبر اکرم (ص)

و قرآن کریم و مولای متقیان (ع)

یکی از صفات بسیار مهم یک مدیر داشتن اعصابی قوی و پولادین و حلم و بردباری و توانایی ذاتی برای مقابله با مشکلات است. مدیر باید مثل دریایی باشد که در درون آن انواع جانداران در حرکت و تلاشند، اما ظاهر آن همواره صاف و گسترده و با هیبت است و اگر لحظه ای بعضی سیاهیها بر سطح آن پدید آیند، بزودی امواج متلاطم و سرکش آنها را در خود فرو می برند و امواج سهمگین پی در پی با یکدیگر می آمیزند تا بالاخره، دریا به سکون و آرامش پراپهت خود بازگردد.

در بررسی سیره پیامبر، گاه به مواردی برمی‌خوریم که بعضی از اصحاب به ایشان اعتراض کردند و کلمات نامناسب با شأن او بر زبان می‌آوردند، اما آن حضرت با حلم و بردباری آنها را تحمل می‌کرد.

قرآن کریم می‌فرماید: ((خوبی و بدی مساوی نیستند، پیوسته با بهترین روش بدی را دفع کن، تا کسی میان تو و او دشمنی است، چونان دوستی مهربان گردد))، و پیامبر اسلام فرمود: ((هیچ چیز بهتر از علم همراه با بردباری نیست))، حلم و شکیبایی دو صفتند که حکومت را محافظت می‌کنند و بدون

آنها نظام مدیریت از هم می پاشد، و دستاوردهای آن از بین می

رود.

علی (ع) فرمود: ((شکیبایی و بردباری، ابزار ریاست و سروری

است.))



منابع :

- ۱- کتاب محمد آخرین نبی (استاد دهقانی)
- ۲- سیره های عملی پیامبر اعظم اثر حجت السلام مومنی
- ۳- حقوق الهی در وجود پیامبر اعظم (ص) نوشته دکتر هوشنگ نعیمی
- ۴- روزنامه اطلاعات شماره ۴۶۵۹ بتاريخ ۱۳۸۵/۵/۲۶